**فهرست مطالب**

[خطبه اول 2](#_Toc426215920)

[امام رضا (ع) 2](#_Toc426215921)

[سه دوره زندگی امام رضا (ع) 2](#_Toc426215922)

[مرحله اول 3](#_Toc426215923)

[مرحله دوم 3](#_Toc426215924)

[مرحله سوم 4](#_Toc426215925)

[خطبه دوم 4](#_Toc426215926)

[کلام امیرالمؤمنین در خطبه 188 نهج‌البلاغه 5](#_Toc426215927)

[بلای طبیعی (زلزله) 6](#_Toc426215928)

[1. الهام‌گیری از بلاهای طبیعی 6](#_Toc426215929)

[2. تدابیر برای کاهش خسارت 6](#_Toc426215930)

[3. آمادگی لازم برای نجات و امداد 7](#_Toc426215931)

[4. زلزله نماد همبستگی و تعاون اجتماعی 7](#_Toc426215932)

[صدور پیام امام به گورباچف 7](#_Toc426215933)

[توسعه صنعت و بخش کشاورزی 8](#_Toc426215934)

[دعا 8](#_Toc426215935)

## خطبه اول

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا[[1]](#footnote-1) ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسَیُّما مولانا علی بن ابیطالب و علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی الائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد وحسن بن علی و خلف القائم المنتظر حجک علی عبادک و أمنائک فی بلادک ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و أمناء الرحمن و سلالة النبین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین. صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ بالله سمیع علی‌ام من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ.[[2]](#footnote-2)** **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ زادَ خَیرَ التقوی.**

# امام رضا (ع)

امام رضا (ع) در ماه ذی‌القعده در سنة 148 بنابر قول مشهور و در اقوال دیگر در سنة 151 یا 153 هـ ق. متولدشده‌اند. و ایشان در سنة 203، اواخر ماه صفر به شهادت رسیدند.

## سه دوره زندگی امام رضا (ع)

1. زندگی در زمان پدر: این دوره از 148 قمری تا شهادت امام موسی بن جعفر (ع) است. امام موسی بن جعفر در سنة 183 هـ ق. به شهادت رسیدند. این مقطع، نسبتاً طولانی است، دوره کودکی و جوانی حضرت در این دوره در کنار پدرشان بوده است.

2. دوره دوم از سنة 183 تا سنة 200 است. در این دوره حضرت دارای مقام امامت و حامل وصیت پدرشان بودند.

3. این دوره 2 الی 3 سال اخیر زندگی حضرت می‌باشد. در این دوره ولایت‌عهدی را در زمان مأمون داشتند.

هر یک از این دوره‌ها در تاریخ زندگی امام رضا (ع) دارای مشخصات و ویژگی‌هایی است.

## مرحله اول

مقطع اول که 35 سال ادامه داشت، مرحله‌ای است که در کنار پدر بزرگوارشان قرار دارند و مسئولیت مستقیمی بر دوش آن امام نبود. طبعاً، امام رضا به لحاظ تصدی مقام امامت و ولایت مسئولیتی نداشتند. اما این مرحله طولانی برای امام رضا هم تجارب بسیار خوبی بود و تحولات مهم اجتماعی و سیاسی در این دوره احساس کردند.

امام رضا (ع) بخشی از دوره‌ای که پدرشان حضور داشتند، زمانی بود که امام موسی بن جعفر (ع) در زندان بودند. این مورد در زندگی سایر ائمه وجود ندارد، هر امامی در زمان امام قبل در کنار پدر حضور دارد که هم از علوم لدنّی فرامی‌گیرد و هم در کنار پدر به دیگران می‌آموزد و بافرمان پدر، دستوراتش را اجرا می‌کند. امّا امام رضا (ع) در این مرحله 35 ساله دارای این خصوصیت بود که سال‌های زیادی پدرشان در زندان بودند. این زندان کردن درزمانی بود که هارون‌الرشید در اوج قدرت بود و برامکه در دستگاه بنی‌عباس نفوذ داشتند و کینه و عداوت بنی‌عباس و حضور برامکه و وزرای کینه‌توز نسبت به خاندان اهل‌بیت در دستگاه عباسی و وجود سخن‌چینان و کینه‌توزان خاندان پیامبر در دستگاه بنی‌عباس و قدرت مطلقه‌ای که هارون‌الرشید در طول چند سال پیدا کرد، این عوامل موجب شد که امام کاظم (ع) را در زندان بی‌افکنند. هراسی که هارون‌الرشید از اقتدار، محبوبیت و نفوذ مکتب امام کاظم (ع) در بین مردم داشت، نیز عامل دیگری بود.

## مرحله دوم

در این دوره نسبتاً وضع امام رضا (ع) در مقایسه با تنگنای شدید هارون برای پدر، تااندازه‌ای تغییر کرد. بعدازاینکه امام کاظم (ع) به شهادت رسیدند، تا سه الی چهار سال، فشار دستگاه بنی‌عباس بر خاندان پیامبر و اهل‌بیت شدید بود. دوره اختناق مضاعف دوره امام کاظم (ع) که به دلیل اقتدار و غرور هارون‌الرشید و هراس او و حضور برامکه در دستگاه و...، به‌عنوان تنها دوره‌ای است که سال‌ها امام در زندان محبوس است. در وصیتی که امام کاظم (ع) به امام رضا داشتند این بود که تا 4 سال امامت خود را علنی نکن. دلیلش این بود که از سنة 183 تا 187، این چهار سال عین دوره طولانی قبل بود و لذا امام رضا امامت خود را رسمی اعلان نکرد. ارتباط خودش را با جامعه شیعه در حد امکان مخفی می‌کرد. رفتارهای امام رضا ازنظر اجتماعی طوری تنظیم‌شده بود که کمترین سوءظن دستگاه امنیتی بنی‌عباس را متوجه نکند. بارها مأموران کنترل می‌کردند و هیچ نشانه‌ای از اقدام و فعالیت امام نمی‌دیدند. درحالی‌که واقفیه[[3]](#footnote-3) نبض تفکر شیعه را در دست گرفته بودند و اعتقادات آن‌ها را به سمت اینکه امام کاظم (ع) به شهادت نرسیدند، بلکه غائب شدند. بعدازاین چهار سال، لرزه‌هایی بر خاندان بنی‌عباس می‌افتد، ازیک‌طرف شورش‌های مختلف که باعث شده بود هارون‌الرشید از مقرّ خود در بغداد هجرت می‌کند. شورش‌ها و سفرهای متعدد هارون‌الرشید برای سرکوب کردن این شورش‌ها و جریانات دیگر سیاسی و اجتماعی و کشتن برامکه و تمام این عوامل بعد از چهار سال، اقتدار هارون از بین رفت و امام رضا (ع) آرام‌آرام وارد صحنه اجتماعی شدند. امام رضا از سنه 187 وارد یک صحنه جدید فعالیت شد.

مرحله دوم به دو بخش تقسیم می‌شود: چهار سال جریان امام کاظم ادامه دارد و امام رضا در کمال تقیّه هستند. بعد از چهار سال، تحولات بزرگی در عرصه سیاسی عالم اسلام اتفاق می‌افتد.

## مرحله سوم

دوره‌ای که امام رضا وارد دستگاه مأمون شد، البته با تحمیل و اجبار مأمون و امام رضا (ع) این مورد را به‌خوبی اداره کرد و کار خودش را عملی کرد.

**«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إِنَّا أَعْطَینَاک الْکوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّک وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَک هُوَ الْأَبْتَرُ»[[4]](#footnote-4)**

## خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکّل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ من شرور انفسنا و سیّئات اعمالنا و نصلّی و نسلّم سیّدنا و نبیّنا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا ابی القاسم محمد (ص) و علی آله الأطیبین الطهرین سیّما بقیة الله فی الارضین. اعوذ بالله سمیع علی‌ام من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ[[5]](#footnote-5)** **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ زادَ خَیرَ التقوی.**

کلام امیرالمؤمنین در خطبه 188 نهج‌البلاغه

**وَ لَقَدْ عَلِمَ الْمُسْتَحْفَظُونَ مِنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ- صلی الله علیه واله- أَنِّی لَمْ أَرُدَّ عَلَی اللَّهِ وَ لَا عَلَی رَسُولِهِ سَاعَةً قَطُّ وَ لَقَدْ وَاسَیتُهُ بِنَفْسِی فِی الْمَوَاطِنِ الَّتِی تَنْکصُ فی‌ها الْأَبْطَالُ وَ تَتَأَخَّرُ فی‌ها الْأَقْدَامُ نَجْدَةً أَکرَمَنِی اللَّهُ بِهَا وَ لَقَدْ قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه واله وَ إِنَّ رَأْسَهُ لَعَلَی صَدْرِی وَ لَقَدْ سَالَتْ نَفْسُهُ فِی کفِّی فَأَمْرَرْتُهَا عَلَی وَجْهِی وَ لَقَدْ وَلِیتُ غُسْلَهُ- صلی الله علیه واله- وَ الْمَلَئِکةُ أَعْوَانِی فَضَجَّتِ الدَّارُ وَ الْأَفْنِیةُ مَلَأٌ یهْبِطُ وَ مَلَأٌ یعْرُجُ وَ مَا فَارَقَتْ سَمْعِی هَینَمَةٌ مِنْهُمْ یصَلُّونَ عَلَیهِ حَتَّی وَارَینَاهُ فِی ضَرِیحِهِ فَمَنْ ذَا أَحَقُّ بِهِ مِنِّی حَیاً وَ مَیتاً فَانْفُذُوا عَلَی بَصَائِرِکمْ وَ لْتَصْدُقْ نِیاتُکمْ فِی جِهَادِ عَدُوِّکمْ فَوَالَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِنِّی لَعَلَی جَادَّةِ الْحَقِّ وَ إِنَّهُمْ لَعَلَی مَزَلَّةِ الْبَاطِلِ أَقُولُ مَا تَسْمَعُونَ وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِی وَ لَکمْ.**

یاران محمّد (ص) آنان که مخزن اسرارند و کتاب و سنّت را امانت‌دار، می‌دانند که من، دمی معارض فرمان خدا و رسول او نبودم و به جان خود پیامبر (ص) را یاری نمودم آنجا که دلیران واپس خزیدند، و گام‌ها برگردیدند. آن دلیری و مردانگی‌ای بود که خدا به من ارزانی فرمود. و رسول خدا (ص) جان سپرد حالی که سر او بر سینه من بود. و نفس او در کف من روان شد. آن را بر چهره خویش کشیدم، و شستن او را عهده‌دار گردیدم، و فرشتگان یاور من بودند و خانه و پیرامون آن فریاد می‌کشید.

گروهی - فرشته - فرود می‌آمد و گروهی به آسمان می‌پرید، و بانگ آنان از گوش من نبرید. بر وی درود می‌گفتند تا او را در خاک نهادیم. پس چه کسی سزاوارتر است بدو از من، چه در زندگی او و چه پس از مردن پس بادل بینا به راه افتید و نیت خویش را در جهاد با دشمن خود راست بدارید که به خدایی که جز او خدایی نیست من به راه حق می‌روم و آنان بر لغزشگاه باطل‌اند. می‌شنوید آنچه را می‌گویم و برای خود و شما از خدا آمرزش می‌خواهم.

## بلای طبیعی (زلزله)

در بلاهای طبیعی چندین نکته وجود دارد:

## 1. الهام از بلاهای طبیعی

نخستین دلیل هر بلای طبیعی، الهام گیری از آن است. درهرحال این حوادث متفاوت نشان‌دهنده ضعف انسان است. انسان هرچقدر در عرصه‌های مختلف به قدرت و توانایی خودش بیفزاید، به‌هرحال در سلطه خداوند متعال است. ممکن است انسان راه‌ها را تغیر دهند ولی به‌هرحال قدرت‌ها در دست خداوند است. هیچ‌گاه نباید اقتدار مطلق حق را فراموش کرد.

## 2. تدابیر برای کاهش خسارت

ضرورت تدابیر برای کاهش خسارت در حوادث مختلف طبیعی یکی از مسئولیت‌های مهم کشور است و نباید در این مورد کوتاهی کرد. وقتی این امکان هست که با تدابیر مختصر و برنامه‌ریزی معمولی در شهرها و ساخت‌وسازها و... جلوی تلفات عظیم انسانی را بگیریم، در قبالش مسئول خواهیم بود.

در زلزله بم، ساختمان‌هایی که با استحکام ساخته‌شده بودند، خسارات جزئی دیدند، پس باید برنامه‌ریزی کرد که وظیفه مسئولان کشور و خود مردم است که در این زمینه تلاش کنند. ایران روی گسل‌های زلزله‌خیز متعدد قرار دارد و تقریباً هیچ جای کشور از خطر زلزله در امان نیست، پس باید فرهنگ ما این باشد که اصول معماری را رعایت کنیم. ضایعاتی که یک زلزله بر روحیه کشور می‌زند، فوق‌العاده حساس است.

## 3. آمادگی لازم برای نجات وامداد

آمادگی‌های حلال احمر، سازمان‌های بهداشت و درمان و... در کشور باید در حادثه زلزله به وظایف خود به‌خوبی عمل کنند. سازمان‌دهی دقیق و آمادگی جامع در این وقایع را باید مسئولان کشور در نظر داشته باشند.

## 4. زلزله نماد همبستگی و تعاون اجتماعی

ایران در کنار حوادث دل‌خراش و آسیب‌های روحی فراوانی که به ملت منجر شد، درعین‌حال پیکره جامعه، زنده و بانشاط و آگاه است که به‌سرعت به کمک دیگران می‌رسند. تکامل اجتماعی از اصول بنیادین اسلام است که هرگز نباید مورد غفلت قرار بگیرد. در مکتب اسلام همان‌گونه که عبادت‌های فردی (نماز و روزه) از اهمیت برخوردار است به همان اندازه (تکافل، تضامن و تعاون اجتماعی) دارای اهمیّت است. همه آحاد جامعه باید از آمادگی کامل، روحی سرشار از عطوفت و مهربانی برخوردار باشند که در حوادث و خطرها و مشکلاتی که برای کشور ایجاد می‌شود، مانند یک قلب بتپند، مثل یک مغز بی اندیشند و مانند یکدست به یاری ستمدیدگان برخیزند.

این روحیه باید در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی توسعه پیدا کند و این فکر باید میان جناح‌های سیاسی، صاحبان سلایق و افکار اندیشه‌های گوناگون رسوخ پیدا کند و همه به فکر منافع، امنیت و مصالح اسلام و ملت باشند.

## صدور پیام امام به گورباچف

شوروی سابق چند دهه، نیمه از دنیا را در قبضه خود گرفته بود و کسی گمان نمی‌کرد این قدرت شیطانی، الحادی و ضد ملت‌های دنیا به آن شکل فروبریزد. اما بااراده خدا نابود شد و امام این فروپاشی را پیش‌گویی کردند، به نحوی شعاع انقلاب اسلامی و طرح اندیشه دینی و معنوی به‌واسطه انقلاب شکوهمند اسلامی، ارکان الحادی را در هم‌ریخت و انقلاب در تمام دنیا اثر داشته و قطعاً در فروپاشی شوروی تأثیرات مهمی داشته است. پیام امام یادآور نامه‌های رسول گرامی اسلام بود.

## توسعه صنعت و بخش کشاورزی

ملت باید در کنار صنعت، توسعه صنایع ماشینی و صنایع‌دستی به کشاورزی توجه کند، منتهی علمی‌تر و صرفه‌جویانه ‌تر و با رعایت قوانین علمی و اقتصادی در این قلمرو قدم بردارد. مسئله دام و کشاورزی، در کشور اقدامات خوبی صورت گرفته است و همین‌طور صنایع‌دستی، قالی، زیلو نکات مهمی در اشتغال جامعه است که باید بیشتر به این مقولات بپردازند.

## دعا

**«نسئلک اللهم و ندعوک بسمک العظیم الاعظم الاعز الاجلّ الاکرم یا الله و... یاارحم الرحمین. اللهم الزرقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة و اکرمنا بالهدی والإستقامة و سدّد الثنتنا بالثواب والحکمة اللهم أنصر الاسلام و أهله واخذل الکفر واهله» 1**

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان و معرفت خودت منوّر بفرما. لذّت عبادت و مناجات را به ما بچشان. ما را از وارستگان و شایستگان بارگاه خودت قرار بده. همه خطرها و آسیب‌ها را از امّت اسلام دور بگردان و....

1. . اعراف 43. [↑](#footnote-ref-1)
2. . آل‌عمران 102. [↑](#footnote-ref-2)
3. . کسانی که به خاطر مال، قدرت، هوا و هوس، امامت امام رضا (ع) را نپذیرفتند. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره الکوثر [↑](#footnote-ref-4)
5. . آل‌عمران 102 [↑](#footnote-ref-5)